

درنگی در مفهوم روستا

غزال راهب

دانشجوی دکتری معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، عضو هیات علمی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۴/۰۳/۱۴ تاریخ تصویب: ۱۳۸۴/۰۹/۲۰)

چکیده:

تعریف واژه روستا (همچون هر مفهوم دیگری) در سطوح متفاوتی قابل بررسی است. این مقاله در پی آن است که با بررسی وجوه و سطوح مختلف موضوع به مفهوم واژه موردنظر نزدیک گردد. لذا در پی آن است که مفهوم روستا را از ابعاد حقیقی و صحیح (کاربردی) مورد تأمل قرار دهد. تعریف حقیقی روستا در پی یافتن سرمنشأهایی است که مفهوم مورد نظر در آنها متبلور می‌گردد؛ در حوزه کاربردی، راهکارهای مختلفی در جهت نزدیک شدن به مفهوم موردنظر وجود دارد؛ رجوع به واژه‌نامه‌ها و تعاریف ارائه شده در حوزه‌های علوم مختلف در ارتباط با مفهوم روستا، شناخت تاریخی روستا و فرایند رشد آن در طی زمان، شناخت ویژگیهای روستا و مقایسه آن با شهر به‌عنوان پدیده‌ای که در تعامل و یا تقابل با آن واقع شده‌است و در نهایت شناخت مبانی نظری حاکم بر ساختار روستا. در پی کنکاش پیرامون مفهوم روستا در هریک از این حوزه‌ها، تعریف ثابتی برای روستا در حوزه کاربردی حاصل نخواهد شد. در نهایت، باید در تعریف روستا به آنچه اندیشیده شده، دوباره بیندیشیم و میزان اهمیت ارائه یک تعریف قطعی را بسته به هدف مورد نظر خود، مشخص نماییم. تعریف بنیادی روستا - که نسبت به شرایط مرتبط آن تغییر نکند، از بررسی مفهوم حقیقی آن که همان نگاه عام به روستا به عنوان یک سکونتگاه است، حاصل می‌گردد و در اینجا ریشه در مفهوم دیرینه «آبادی» دارد.

کلید واژه

سکونت، آبادی، روستا.

سرآغاز

هنوز امری حقیقی نیست؛ لذا تعریف حقیقی، رابطه‌ای محدود به ابعاد مسأله طرح شده، با موضوع برقرار می‌نماید. فقط امر حقیقی است که ما را با ماهیت موضوع موردنظر در نسبتی آزاد قرار می‌دهد. (هایدگر، ۱۳۷۷) لذا برای برقراری نسبتی آزاد با مفهوم روستا و فارغ از اهداف کاربردی موردانتظار، باید روستا را از بعد حقیقی و نه تنها صحیح(کاربردی)، مورد کنکاش قرار داد و به بررسی چپستی موضوع پرداخت.

تعریف مجدد یک واژه آشنا حائز نکات ارزشمندی است. سؤال از مفهوم روستا از یک طرف میان ما و آن مفهوم آن رابطه‌ای برقرار می‌نماید که در سطوح مختلفی قابل طرح است و از طرف دیگر، توجه ما را به راه دسترسی به آن معنا جلب می‌نماید که خود این راه، در روشن نمودن مفهوم روستا و رابطه ما با آن مفهوم نقش بسزایی دارد. در این تحقیق برآنیم که به‌دور از دسته‌بندی‌های مصطلح و اجتناب از مطلق‌گرایی درمفاهیم، تأملی دوباره در مفهوم روستا داشته‌باشیم؛ چراکه به نقل از «جان سیگلر» [هرچند] برچسب‌زدن برای دسته‌بندی، نخستین کار توصیف است، [اما] گاه برچسب مزاحم فرض می‌شود. (رجایی، ۱۳۸۰)

رویکرد

به‌طور کلی، اینکه تعریف روستا و تفکیک سکونتگاه‌های روستایی از سکونتگاه‌های شهری به چه میزان اهمیت دارد، به هدفی که از این تفکیک مدنظر است و به عبارت دیگر نوع رابطه و نسبت ما با آن موضوع برمی‌گردد. در برخورد با هر مسأله، می‌توان آن را از منظرهای متفاوتی مورد تأمل قرار داد و در واقع، این موضوع کاملاً وابسته به هدفی است که در نهایت، از حل مسأله، مورد انتظار است. چنانچه گفته شد، کنکاش پیرامون مفهوم روستا، در این تحقیق، در دو حوزه حقیقی و صحیح(کاربردی) مدنظر می‌باشد. لذا، ابتداء روستا را از منظر حقیقی مورد تأمل قرار می‌دهیم. در شناخت حقیقی مفهوم روستا بهتر است که به آن مفهوم از منظری کلان تر بپردازیم و به عبارت دیگر

چنین داد پاسخ که آبادجای نیایی مگر باشدت رهنمای
 «فردوسی» (به نقل از: دهخدا، ۱۳۳۷)
 شکل‌گیری آبادی ریشه در نیاز فطری انسان به سکونت‌گزینی دارد.
 آبادی بروز عینی مفهوم سکونت است که با تعلق به مکان ملازمه دارد و
 در پی آن، بشر وارد مرحله تمدن می‌شود. ورود مفهوم سکونت به مرحله
 خودآگاه انسانی موجب می‌شود که انسان به «ایجاد» فضای مصنوع دست
 زند. یعنی پس از کشف ارزش‌های نهان در فضای طبیعی و تجربه کیفی
 فضا، ظهور این کیفیات در خودآگاه آدمی منجر به شکل‌گیری فضای
 مصنوع می‌گردد. آنچه مسلم است، درک^۲ و حس^۳ مفهوم سکونت در
 مرحله اول یک مرحله کیفی است و این سرآغاز ورود به مرحله خودآگاهی
 است. بدین ترتیب، آبادی لحظه‌ای آغاز می‌گردد که آدمی یا گروهی از
 آدمیان، مکانی را (پاره‌ای از محیط گرداگرد خود را) به عنوان بستر
 سکونت، برمی‌گزینند. هنگامی که کار آبادی‌گزیدن به انجام رسد، دیگر
 شیوه‌های سکونت، آهسته آهسته پای به گود می‌نهند؛ آبادی‌گزیدن در
 چشم‌انداز طبیعی یعنی ناحیه یا مکانی را محدود کردن. ما سرگردانی
 خود را به پایان رسانیده و می‌گوییم اینجا! آنگاه در بطن «بیرون» که
 گرداگردمان را فرا گرفته به آفرینش «درون» مبادرت می‌ورزیم. پس
 آبادی را باید نقطه رسیدن دانست (نوربری شولتز، ۱۳۸۱).

نکته نهفته در اینگونه تعبیر از آبادی‌گزیدن، ناظر به گزینش مکان،
 از مجرای ناخودآگاه ضمیر انسان است؛ پس از کشف ارزش‌های پنهان
 محیط، حضور این کیفیات در ناخودآگاه آدمی، در تعامل با نیازها و
 انگاشته‌های وی، منجر به ظهور احساس یا جذبه‌ای ناخودآگاه نسبت
 به مکان شده و تمنای بودن در «آنجا» را در انسان رقم می‌زند. آبادی،
 مکانی برای تجمیع شیوه‌های سکونت‌گزینی است. جایی که انسان‌ها،
 فراتر از عرصه خصوصی حیات خود، به تعامل اندیشه‌ها، احساسات،
 دغدغه‌ها و فرآورده‌های خود - چه ذهنی و چه عینی؛ نظیر
 مصنوعات - می‌پردازند. بدین ترتیب، آبادی محل برخورد و دیدار
 است. دیداری که الزاماً مبین توافق نبوده و در اصل، به معنای گردهم
 آمدن انسان‌ها با اختلافاتشان و شیوه‌های گوناگون معیشت و سکونتشان
 می‌باشد. از اینرو، آبادی بدل به مکان و گستره‌ای برای مکاشفه کیفیات
 گوناگون حیات می‌شود.

از طرف دیگر، می‌توان آبادی را ارگانیزمی متشکل از حیات متعامل
 انسان و محیط پیرامون وی فرض نمود؛ از منظر اکوسیستم، شناخت یک
 مکان، شناخت اجزای آن، همچون زمین، گونه‌های زیستی جانوری و
 گیاهی و همچنین الگوی استفاده انسان و به خصوص رابطه این اجزا در
 کار با یکدیگر را شامل می‌شود. اجزا در یک اکوسیستم در کنار یکدیگر
 چنان واقع می‌شوند که سیستم را پویا می‌سازند. چنانچه ما به اکوسیستم

به دنبال سرمنشأهایی باشیم که مفهوم مورد نظر در حوزه‌های مرتبط با
 آن، متبلور می‌گردد. در ادامه، در پی بررسی روستا از منظر حقیقی، گذری
 بر مفاهیم کاربردی روستا خواهیم داشت. در این راستا، ابتدا راهکارهایی،
 در خصوص تعریف واژه - به طور عام - ارائه می‌گردد و براساس این
 روش نگرش، به تعریف واژه روستا با نگاه کاربردی و به عبارت دیگر،
 تعریف صحیح مسأله، که در رابطه‌ای نسبی با موضوع قرار می‌گیرد،
 می‌پردازیم. در این صورت، به تعریفی از روستا دست می‌یابیم که نسبت
 به شرایط و اهداف مورد نظر، تعریفی صحیح محسوب می‌گردد، اما این
 تعریف لزوماً تعریفی جامع نیست و به عبارت دیگر تعریف حقیقی مسأله
 نیست؛ چرا که تعریف صحیح (کاربردی) روستا مسائلی را که در راستای
 اهداف مرتبط همچون برنامه‌ریزی منطقه‌ای، توسعه، رشد کشاورزی و ...
 طرح می‌شود؛ پاسخگو خواهد بود؛ اما مفهوم مورد نظر را از منظر حقیقی
 طرح نمی‌نماید. اینگونه تعاریف برای ورود به حوزه‌های کاربردی مرتبط
 با مسأله، شرط کافی تلقی می‌گردند.

نگاه حقیقی، تبلور مفهوم روستا در مفهوم آبادی

چنانچه پیشتر اشاره شد، مفهوم حقیقی هر واژه، حاصل برقراری
 نسبتی آزاد با آن واژه می‌باشد؛ لذا جهت دستیابی به مفهوم حقیقی
 روستا، فارغ از بروز خارجی این مفهوم و جنبه‌های کاربردی، به شناخت
 آن می‌پردازیم.

روستا به عنوان یک مجتمع زیستی و جلوه‌گاه بروز خارجی حیات
 اجتماعی انسان قابل طرح است. به عبارت دیگر ظهور روستا هم‌ارز با
 شکل‌گیری سکونت و به دنبال آن شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی است.
 سکونت‌گزینی انسان موجد شکل‌گیری آبادی است و آبادی در ذهن
 انسان - چه شهری و چه روستایی - مفهومی بدیهی است؛ آنچه به
 عنوان آبادی از آن یاد می‌گردد، نه تنها روستا، بلکه مشتمل بر تمامی
 انواع سکونتگاه‌های انسان می‌گردد و بر خانه، مزرعه، روستا، شهرک و
 شهر، شمول دارد. آبادی، تبلور بعد بیرونی حیات انسان، و محل رابطه
 ساحت خارجی وی با محیط است. بنابراین می‌تواند تنها با تک‌خانه‌ای
 معنا یابد.

واژه آبادی، از منظر واژه‌شناسی نیز خود مؤید این نحوه نگرش به آن
 است. آبادی برگرفته از آب است و آب نشانی است از رونق یافتن زندگی،
 پرباری محصول و تداوم حیات. ضرب‌المثل‌هایی همچون «آب آبادانی
 است» و «آب به آبادانی می‌رود»، مؤید این نحوه نگرش است. آبادی در
 لغت‌نامه دهخدا هم‌ارز قریه، ده و شهر فرض شده است. «زاغ روی به
 آبادی نهاد» (به نقل از کلیل و دمنه)؛ همچنین آبادان معادل مسکون و
 آبادجای و آبادبوم نیز هم‌ارز آبادی در نظر گرفته شده است:

بیرسید از آن سر شبان راه شاه کر ایدر کجا یابم آرامگاه

به عوامل مختلفی همچون میزان توسعه‌یافتگی، میزان جمعیت، سطح رفاه عمومی و ... شکل می‌گیرند؛ به عنوان مثال زمانی در دانمارک هر جایی که دست کم ۴۰۰ نفر ساکن داشت، منطقه شهری نامیده می‌شد، در ژاپن ۳۰۰۰۰ ساکن لازم بود و در فرانسه ۲۰۰۰ ساکن در مرکز منطقه (پیتیه، ۱۳۶۹). این رقم در ایران مطابق تعریف مرکز آمار ۵۰۰۰ نفر تعریف شده است.

اما در فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی، به منظور داشتن داده‌های طبقه‌بندی شده همگون، نیازمند داشتن یک تعریف مشترک از روستا می‌باشیم؛ ارائه تعریف مشترک از مفهوم روستا در موارد خاص، زبان مشترکی میان علوم مختلف که به موضوع روستا می‌پردازند، ایجاد می‌نماید. در این راستا باید روستا را به عنوان یک پدیده که در رابطه با بستر خود شکل می‌گیرد و به حیاط خود ادامه می‌دهد، مورد تأمل قرار داد.

۱-۱- راهکارهای تعریف مفاهیم

در تعریف یک مفهوم می‌توان از روش‌های مختلفی بهره برد؛ برخی از این روش‌ها گاه تعریفی نسبی از موضوع را به دست می‌دهند و برخی دیگر افقی مرتبط با مفهوم مورد نظر را می‌کشایند که تنها ما را به معنای واژه مورد انتظار نزدیک می‌نمایند. افراد زیادی سعی در ارائه تعریفی جامع از روستا داشته‌اند. لویزا فروتوس^۴ برخی از این تعاریف را چنین دسته‌بندی می‌کند: عده‌ای روستا را در مقایسه با شهر تعریف کرده‌اند؛ گروهی با استفاده از عناصر کیفی و ریخت‌شناسی و یا براساس قابلیت خاک، قابلیت، میزان بازدهی و تولیدات؛ گروه دیگر با تأکید بر ویژگی‌های جمعیتی از قبیل میزان جمعیت و چگونگی شکل‌گیری توده جمعیت و یا بررسی‌های آماری همچون بررسی تولیدات و یا ساختار اجتماعی (M. Frutos, 1999).

در این تحقیق، ابتدا با ذکر چند روش جهت تعریف موضوع، مصداق آن را در موضوع مورد بحث جستجو خواهیم کرد و سپس تحلیل و ارزیابی بر آنها صورت می‌گیرد.

روش‌هایی که تعریف در راستای آن صورت گرفته، به شرح زیر می‌باشند:

الف: رجوع به واژه‌نامه‌های معتبر و ادبیات مرتبط در حوزه‌های علوم مختلف.

ب: شناخت تاریخی پدیده و شناسایی فرآیند رشد آن در طی زمان.
ج: شناخت ویژگی‌های پدیده و مقایسه با پدیده‌های دیگری که در تعامل و یا تقابل با آن هستند.

د: مبانی نظری مرتبط با ساختار پدیده.

قابل ذکر است که پرداختن به برخی از این روش‌ها (همچون شناخت

به عنوان یک ارگانسیم شایسته و یا با آینده‌ای جهت‌دار بنگریم، در کنار دیگر اجزایش، به ما امکان بحث در خصوص ارزش‌های آن و تجربه دیدار کیفیاتی جدا از مجموعه‌ای که صرفاً از گیاهان و صخره‌ها تشکیل شده، ارائه می‌کند (Brook, 2000).

بدین ترتیب، آنچه که از این تعامل برمی‌آید، آن است که زندگی آبادی، به کمک آرایش مناسب فضایی آن تحقق پذیرفته است. به معنای آنکه شخصیت یک آبادی، با عناصر مفرد متشکله آن تثبیت نشده، بلکه شیوه گروه‌بندی و رابطه میان این عناصر و چگونگی آرایش آنهاست که مبین این شخصیت است. روشن است بر این اساس، کلیت یک آبادی، از یکسو متأثر از هیأت جایگاه طبیعی آن و از سوی دیگر، مبتنی بر ساختار روابط میان ساکنان آن است که این خود مشتمل بر ساختارها و روابط خرد بی‌شماری است که از جمله آن می‌توان به معیشت، سنت، مذهب و اعتقادات اهالی و مواردی اینگونه اشاره کرد.

نگاه کاربردی - تعریف روستا

در سطح کاربردی، مفهوم روستا در حوزه تحقیقاتی علوم مختلفی قابل طرح است. تعریف حقیقی روستا به دلیل ماهیت کل‌نگر و غیر کاربردی خود در حوزه علوم جابگو نمی‌باشد و نیاز به ارائه تعریفی مبتنی بر عینیات - که هر یک نیز در جایگاه خود تعریفی صحیح محسوب می‌شود - محسوس است. علمی همچون جغرافیا، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، معماری و علوم کشاورزی جهت برنامه‌ریزی‌های تحقیقاتی و کاربردی خود مواجه با تعاریف متفاوتی از روستا و تفکیک عرصه‌های مختلف سکونتگاه (آبادی) در قالب شهر و روستا بوده‌اند. به تبع آن، علوم مختلف نیازمند معیارهای لازم در این خصوص هستند تا بتوانند آن دسته از مجتمع‌های زیستی را که روستا شناخته می‌شوند، از شهرها تفکیک نمایند؛ گرچه معیارهای این تفکیک می‌توانند در درون هر حوزه، به طور جداگانه و براساس شاخص‌های همان حوزه مشخص گردد؛ به عنوان مثال در برنامه‌ریزی‌های کشاورزی، معیار می‌تواند در رابطه با نوع اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و یا غیره تعریف گردد و در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، میزان جمعیت و یا نوع خدمات ملاک قرار گیرد؛ اما در همکاری میان حوزه‌های علوم مختلف، تفکیک شهر و روستا براساس معیارهای متفاوت موجب آشفتگی در دسته‌بندی‌ها خواهد گردید. لذا بهتر است، تعریف یکسانی که بتواند در موارد خاصی، حوزه‌های مختلف را دربرگیرد و یک جنبه مشترک را طرح نماید، به عنوان تعریف روستا و معیار تفکیک روستا از شهر پذیرفته شود. تاکنون تعریف ثابتی از روستا نشده است و تعاریف ارائه شده غالباً وابسته به حوزه فعالیت مورد نظر و یا در سطح کلانتر، از دولتی تا دولت دیگر متفاوت است، چرا که تعریف جوامع مختلف انسانی از مفاهیم روستا و روستایی تا حد زیادی متفاوت است و این تعاریف بسته

و سنگ‌های طبیعی می‌سازند و از آنها جز بهره بردن از سایه و تهیه پناهگاه منظوری ندارند و گاهی هم به غارها و شکاف‌های کوه‌ها پناه می‌برند (ابن خلدون، ۱۳۵۹).

در دایره‌المعارف بریتانیکا^۷ جامعه روستایی^۷ چنین تعریف شده است: جامعه‌ای که در آن، به نسبت، ساکن کمتری وجود دارد، دارای زمین‌های گسترده است و در آن مهم‌ترین فعالیت اقتصادی، تولید مواد غذایی، الیاف و مواد خام است. ارائه تعریف برای چنین مناطقی به صراحت ممکن نیست. تفاوت زیاد میان شهر و روستا در جوامع غیر صنعتی - که البته در جوامع صنعتی این تفاوت کمتر است - تعیین مرز دقیق سکونتگاه‌های روستایی را با مشکل مواجه می‌نماید (Britannica, v.10, 1970).

در برخورد دیگری که در تبیین مفهوم روستا شده است، به روستا به عنوان یک مجتمع زیستی و به عبارتی سکونتگاهی انسانی نگریسته می‌شود و غریزه اجتماعی زیستن، با توجه به سطح فرهنگ و برخورداری از دانش فنی در نقاط مختلف جهان به صورت‌های گوناگون، تجلی می‌یابد (سعیدی، ۱۳۷۹)، که روستا نوعی از آن محسوب می‌شود. جوامع روستایی در تعاریف سنتی براساس عرصه‌های مالکیت زمین تعریف شده‌اند (M. Frutos, 1999). در تعریف دیگری از روستا بر پذیرش آن به عنوان یک «کل» مستقل تأکید شده و روستا واحدی اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و مرکز جمعی از مردم یکجانشین تعریف شده است که قسمت اعظم درآمد آنها از کشاورزی تأمین می‌شود و شرایط بالقوه خودکفایی را نیز در خود دارد (رضوانی، ۱۳۸۲). همچنین در برخی تعاریف دیگر هیچ یک از معیارهای شناخته شده فوق‌الذکر ملاک تفکیک شهر از روستا قرار نمی‌گیرد و آنچه شهر را از روستا تفکیک می‌نماید، «عرف» می‌باشد، طبق این تعریف، شهر جایی است که شهر نامیده می‌شود (پیتیه، ۱۳۶۹).

طبق قانون اصلاحات ارضی، ده یا قریه عبارت است از یک مرکز جمعیت و محل سکونت و کار تعدادی خانوار که در اراضی آن به عملیات کشاورزی اشتغال داشته و درآمد اکثریت آنها از طریق کشاورزی حاصل می‌شود و عرفاً در محل ده یا قریه شناخته می‌شود (وثوقی، ۱۳۶۶). همچنین، بنا به تعریف مرکز آمار ایران، روستا عبارت است از سکونتگاهی که تولید غالب آن کشاورزی و دامپروری بوده و جمعیت آن حداکثر ۵۰۰۰ نفر باشد (شناسنامه آبادی‌های کشور، ۱۳۷۵).

در نهایت اینکه تعاریفی که از روستا در ادبیات مرتبط به آن ارائه شده‌اند، به دلیل آنکه در حوزه‌های علوم مختلفی صورت گرفته، متعدد است. همچنان که ذکر آن رفت، تعاریف روستا عمدتاً براساس محورهایی همچون نوع معیشت و اقتصاد حاکم، ویژگی‌های اجتماعی و یا جمعیتی،

مبانی نظری)، گرچه به تعریف حقیقی روستا نزدیک می‌شود و روستا را از آن منظر مورد تأمل قرار می‌دهد، اما به دلیل آنکه هدف از پرداختن به آن، کسب نتایج عملکردی می‌باشد، در تقسیم‌بندی، در دسته تعاریف کاربردی قرار گرفته است.

الف - ادبیات روستاشناسی (تعاریف)

واژه روستا در ادبیات مرتبط با آن به گونه‌های مختلفی تعریف شده است. روستا در فرهنگ معین، معادل «رستاک»^۵ در زبان پهلوی و معرب آن رستاق، روستاق، رسداق و یا رزداق می‌باشد و هم‌ارز ده و قریه تعبیر شده است؛ همچنین، «ده» آبادی کوچک در خارج شهر و در مقابل آن، شهر، آبادی بزرگ که دارای خیابان‌ها و کوچه‌ها و خانه‌ها و دکان‌ها و سکنه بسیار باشد، تعریف شده است (معین، ۱۳۷۵). معجم‌البلدان به نقل از حمزه بن حسن آرد می‌گوید: در زمان ما بنا بر آنچه مشاهده می‌شود، ایرانیان رستاق را بر جایی که دارای مزارع و قراء باشند اطلاق می‌کنند و هرگز شهرهایی از قبیل بصره و بغداد را رستاق نمی‌خوانند (به نقل از: دهخدا، ۱۳۳۷). در فرهنگ صبا «ده»، «روستا» و «قریه» هم‌ارز یکدیگر بوده و برابر با «آبادی کوچک در خارج شهر که دارای چندین خانه روستایی باشد»، تعریف شده است (بهشتی، ۱۳۷۱). همچنین، روستا نقطه سکونتی کوچک با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و منابع طبیعی نیز تعریف شده است.

ده، بنا به تعریف از واژه «دهیو» به معنای سرزمین و کشور گرفته شده است (رضوانی، ۱۳۸۲). بر این اساس، ده و قریه سکونتگاه و جامعه‌ای شناخته می‌شود کوچک، که نسبت به روستا مفهوم محدودتری دارد و یک واحد معیشتی است که در یک فضای جغرافیایی مستقر شده، شکل گرفته باشد، در حالی که روستا شامل ده یا قریه‌ای است، همراه با مزارع و باغات و پوشش طبیعی اطراف آن. بنابراین تعریف، ده و قریه ممکن است بر مبنای کشاورزی نباشد، یعنی ساکنان آن، زارع، برزگر، کشاورز و دامدار روستایی نباشند، بلکه معیشت آنان بر بنیان سایر فعالیت‌ها استوار باشد، مثل خدمات، صنایع دستی، استخراج معدن، بهره‌وری از آب معدنی، صیادی و نظایر آن که در این صورت به ساکنان آن دهاتی گفته می‌شود، ولی اگر این واحد معیشت با بهره‌وری از فضاها یا فعالیت‌های کشاورزی همراه باشد، روستا نامیده می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۲).

ابن خلدون در این خصوص می‌گوید: بادیه‌نشینان گروهی از بشرند که برای به دست آوردن معاش طبیعی به کشاورزی و پرورش چارپایان می‌پردازند و آنها در وسایل زندگی از خوراکی گرفته تا پوشیدنی به همان مقدار ضروری و لازم اکتفا می‌کنند و از رسیدن به مراحل برتر از این حد که به شهرنشینی و تمدن کامل زندگی منتهی می‌شود، عاجزند. این گروه خانه‌هایی از موی و پشم حیوانات یا از شاخه‌های درخت یا از گل

ساختار کالبدی و نحوه اداره جامعه صورت گرفته است.

ب - فرآیند پیدایش و شکل‌گیری تاریخی روستا

شناخت روستا در بستر سیر تاریخی حیات اجتماعی انسان، گامی است در جهت شناخت مفهوم آن پدیده؛ چرا که شناخت ما از هر پدیده‌ای به درجه شناخت ما از فرآیند تاریخی آن پدیده بستگی دارد (حبیبی، ۱۳۷۵). شاید بدیهی‌ترین تعبیری که از سکونتگاه‌های انسانی می‌توانیم داشته باشیم، آبادی‌ها هستند؛ آبادی پدیده‌ای است تدریجی که در طی سالیان و در تعاملی پیوسته میان معیشت ساکنان و محیط صورت پذیرفته است. بنابراین ادراک ساکنان از کیفیات محیط و آشنایی درونی آنان با روش‌های ارضای نیازها و تطابق با محیط، مقوله‌ای کاملاً تدریجی بوده و مبتنی بر تجربیات سالیان آنهاست که نسل به نسل - هر چند به طور ناخودآگاه - به ایشان منتقل گردیده است. تاریخ آبادی قدمتی به اندازه تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد. پیدایش اولین سکونتگاه‌ها به آغاز عصر نوسنگی باز می‌گردد. انسان نخستین با رواج کشاورزی به زندگی یکجانشینی پرداخت و در پی آن مفهوم «سکونت» در بروز عینی خود موجب شکل‌گیری آبادی شد. آبادی‌ها با تفکیک جوامع براساس فعالیت‌های اقتصادی به شهرها و روستاها تبدیل شدند و از این زمان بود که تاریخ حیات و فرآیند رشد شهر و روستا از یکدیگر تفکیک شد.

دلایل مختلفی در خصوص ایجاد شهرها و مهاجرت روستائیان به شهرها در طول تاریخ آمده است؛ معمولی‌ترین دلیلی که برای پیدایش شهرها ذکر شده، وابسته به اقتصاد است. به این معنا که مازاد تولید محصولات کشاورزی عده‌ای را از کشت و تولید محصول بی‌نیاز کرد، این امر، خود موجب تسهیل جمع‌آوری غذای مازاد جهت یک جمعیت شهری گشت (شیعه، ۱۳۷۴)؛ لذا عده‌ای از روستا خارج شده، شهرها را ساختند و به حرف دیگر همچون صنعت و تجارت پرداختند. در دایره‌المعارف بریتانیکا در این خصوص آمده است: از نظر تاریخی، جوامع روستایی قدمتی بیش از جوامع شهری دارند. روستائیان در خانواده‌های گسترده زندگی می‌کردند و درصد مردان در آن بالاتر بود. این وقایع با یکدیگر در ارتباطند. برای یک کشاورز فرزند زیاد یک مزیت بود؛ به خصوص اینک پسر باشند تا بتوانند در مزارع کار کنند و در پی آن هنگام پیری پدر و مادرشان از آنها مراقبت کنند. معمولاً در این جوامع هنگامی که فرزندان بزرگ می‌شوند، زمین کافی برای آنها وجود ندارد که مخارج خانواده‌هایشان را تأمین نماید؛ لذا تعدادی از آنها به شهرها مهاجرت می‌نمایند، لذا از دید تاریخی، شهرها سرریز جمعیت روستایی را جذب می‌کنند و به طور نسبی افراد مسن‌تر در خانواده‌هایی کوچکتر در روستاها می‌مانند (Britannica, v.10, 1970).

ابن‌خلدون در کتاب خود تفاوت عادات و رسوم و شیون زندگی

ملت‌ها را نتیجه اختلافی می‌داند که در شیوه معاش خود پیش می‌گیرند؛ وی اجتماع انسان‌ها را تنها برای به دست آوردن وسائل معاش می‌داند و اینگونه اجتماعات ابتدایی و ساده را نوعی تلاش پیش از مرحله شهرنشینی و رسیدن به مرحله تمدن کامل می‌داند؛ وی «بادیه‌نشینی» را اصل و گهواره اجتماع و تمدن و اساس تشکیل شهرها می‌داند و بیان می‌دارد: شهرنشینی به منزله هدفی برای بادیه‌نشینان است که به سوی آن در حرکتند و با کوشش و تلاش خود سرانجام از بادیه‌نشینی به مطلوب خویش نائل می‌آیند و هنگامی که به فراخی معیشت و توانگری می‌رسند، از این راه به عادات و رسوم تجمل‌خواهی و ناز و نعمت روی می‌آورند و آن وقت به آرامش و استقرار زندگی متمایل می‌گردند و به قیود شهرنشینی تن در می‌دهند (همان، ص ۲۲۷).

در راستای رونق گرفتن شهرها در طول تاریخ، پیوسته شکاف میان شهر و روستا عمیق‌تر می‌شود؛ آثار مکتوب حکایت از اهمیت شهرها و مورد توجه قرار گرفتن بیشتر شهرها نسبت به روستاها، از طرف دولت‌ها دارند:

چو از شهر یکسر بپرداختند
بگرداندش روستاها ساختند
"فردوسی"
و یا:

بتو دادم آن شهر و آن روستا
"فردوسی"
و یا این بیت از سعدی که به طور ضمنی اشاره به اختلاف عمیق میان روستا و شهر دارد:

چه مصر و چه شام و چه بر و چه بحر همه روستایند و شیراز شهر
همچنین آثار ادبی باقیمانده، حکایت از آن دارند که روستاها از نظر علمی نسبت به شهرها جایگاه پست‌تری داشته‌اند و در واقع شهرها مرکز تفکر و علم بوده‌اند:

پس بیش مشنو آن سخن باطل کسی
کز شارسان علم سوی روستا شده است
"ناصر خسرو"

من هزاران ساله علم آنجا برم
آن زمان از روستا خواهیم رسید
"نظامی"

هر که ماهی باشد اندر روستا
تا به ماهی عقل او ناید بجا
وانکه باشد ماهی اندر روستا
روزگاری باشدش جهل و عمی
"مولوی"

روستا زادگان دانشمند
به وزیر پادشاه رفتند
پسران وزیر ناقص عقل
بگدایی به روستا رفتند
"سعدی"

در برنامه‌ریزی‌های توسعه داخل کشور، برنامه‌ریزی در خصوص روستاها به عنوان یکی از موارد مهم توسعه کشور و در تمامی ابعاد آن محسوب می‌گردد. آنچه در مرحله اول از مرور برنامه‌های توسعه (برنامه اول، دوم و سوم) که در راستای یکدیگر طرح‌ریزی شده‌اند، حاصل می‌شود، این است که سیاست‌های کلان توسعه در کشور در خصوص مسأله روستا و مسکن روستایی به دنبال توسعه‌ای هماهنگ و یکپارچه می‌باشد. اهم اهدافی که سیاست‌گذاری‌ها بر آن تأکید دارند، تأکید بر رونق اقتصادی منطقه و روستا، بهسازی مسکن روستایی و بهبودبخشی شاخص‌های کیفی مسکن روستایی و به طور کلی بهبود کیفیت زیست و اصلاح ساختار کالبدی، مقاومت‌سازی و بهسازی، همچون فراهم آوردن زمینه‌های ارتقاء فن‌آوری فعالیت‌های سنتی و بومی و گسترش فرهنگ صنعتی در مناطق روستایی (برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایران، جلد نهم، فصل عمران و توسعه روستاها، بند ۳، قسمت الف)، جلب مشارکت‌های مردمی، تفویض اختیارات در سطح ده به نهادهای مردمی و شوراهای ارتقاء نقش روستائیان در اداره امور روستا (لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۳۸) و جلب سرمایه‌های خصوصی و ایجاد تسهیلات برای صاحبان سرمایه جهت کارآفرینی در روستا (لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، فصل ۱۹، ماده ۱۳۶) بوده است.

در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مواردی همچون: صدور سند مالکیت اراضی کشاورزی واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها و روستاها و شهرک‌ها به نام مالکین قانونی آنها از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (ماده ۱۸)، ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی و عشایری از طریق سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری و نظارت در امور توسعه روستایی زیر نظر رئیس‌جمهور و تأمین اعتبار صددرصد (ماده ۱۹)، و بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی کشور از طریق توسعه منابع انسانی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، ساماندهی نظام ارائه خدمات سطح‌بندی شده و اصلاح نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی با تأکید بر افزایش هماهنگی و محلی نمودن فرآیند آن (ماده ۷۵) طرح شده است که شاخص‌هایی از زندگی روستایی که اقدامات اصلاح‌گرایانه پیرامون آن صورت می‌پذیرد را نشان می‌دهد.

لذا چنانچه از مرور برنامه‌ها برمی‌آید، شرایط محیطی، کشاورزی، اقتصاد و فرهنگ و ساختار سیاسی جوامع روستایی و همچنین کالبد سکونت‌ی آنها شرایط خاصی را برای این دسته از جوامع در سطح کشور رقم می‌زند. از طرف دیگر، بشر امروز با مواجه شدن با مشکلات زندگی امروز خود که محصول دوران صنعتی است و با درک اهمیت توسعه

علم در علم است این دریای ژرف من چنین جاهل کجا خواهم رسید
من هزاران ساله علم آنجا برم آن زمان از روستا خواهم رسید
"عطارد"

اما روستاها در طول تاریخ در ایران همواره محمل رابطه با طبیعت و خاستگاه فعالیت‌های کشاورزی بوده‌اند:

و در روستاها بگشتندی

"تاریخ بیهقی"

امیر بسیار پرسیدی از آنجای‌ها و روستاها و خوردنی‌ها.

"تاریخ بیهقی"

در بررسی سیر تحول تاریخی روستا با اطمینان می‌توان از تقدم وجودی روستاها نسبت به شهرها خبر داد، اما با پدیدار شدن شهرها، سرعت رشد و توسعه شهر و روستا همگام نبوده و پیوسته این فاصله بیشتر شده است. گرچه در عصر کشاورزی، محور اصلی اقتصاد جوامع را روستاها - که کشاورزی هم‌ارز آن تلقی می‌شد - تشکیل می‌داد، اما با ورود به عصر صنعت، کشاورزی کردن، دیگر مستلزم زندگی دهقانی به معنای پیشین خود و به گستردگی آن نبود و جایگاه روستاها در میان جوامع تنزل نمود، کشاورزی صنعتی با نیروی کار کمتر، بهره بیشتری از زمین گرفت و جمعیت روستائینی که می‌بایست برای تهیه غذا روی زمین کار می‌کردند کاهش یافت و این مسأله تحولات عمیقی را در ساختار روستاها در نظام کلی کشور موجب شد.

ب-۱- چشم‌انداز آینده

چشم‌انداز آینده روستا در مقیاس جهانی و همچنین در داخل کشور، به تفصیل قابل طرح است و در مقوله تعریف مفهوم روستا نمی‌گنجد؛ اما از آنجا که برنامه‌ریزی‌های آتی در خصوص یک مسأله، ریشه در شناخت ما از کیفیت و کمیت آن مسأله دارد، نگاهی اجمالی به چشم‌اندازهایی که در خصوص این مفهوم طرح می‌شود، تعریفی ضمنی از آن مفهوم را نیز به ما ارائه خواهد داد؛ بنابراین اشاره‌ای مختصر به جایگاه روستا در نظام تفکر جهانی و همچنین در چشم‌اندازهای برنامه توسعه، وجوه بارز و خاص روستا را که دارای ارزش برنامه‌ریزی هستند، روشن می‌نماید.

در برخی برنامه‌ریزی‌های جوامع پیشرفته حفظ و نگهداری روستا و همچنین ازدیاد و بهینه‌سازی تولیدات کشاورزی، به عنوان دو هدف مدیریتی در روستا طرح می‌گردند و در واقع برخی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که برنامه‌ریزی‌ها در جهت حفظ و گسترش آن صورت می‌گیرد، نگاه به روستا به منزله یک سرمایه ملی از دید فضاها طبیعی خارج از شهرها و همچنین تولید محصولات کشاورزی، انعطاف‌پذیری سیستم و همچنین دارا بودن تنوع اقتصادی و اجتماعی می‌باشد (Allmendinger & Champan, 1999).

مثال می‌توان روستاها را از جنبه‌های مختلفی همچون نحوه اسکان، نوع معیشت، وضعیت جغرافیایی و ... تقسیم‌بندی کرد؛ اما پاره‌ای از تقسیم‌بندی‌ها فارغ از ویژگی‌های زمانی و مکانی، شکل عام‌تری نسبت به دیگر تقسیمات می‌یابد؛ مثلاً سکونتگاه‌های روستایی در یک تعریف کلی و بنا بر تعاریف مرکز آمار به سه گروه سکونتگاه‌های دائم، موقت و نواحی غیرمسکون تقسیم می‌شوند. براساس رویکرد معیشتی، روستاها مطابق تقسیم‌بندی زیر قابل تفکیک می‌باشند: روستاهای زراعی، روستاهای استخراجی (معدنی)، روستاهای صیادی، روستاهای جنگلی، روستاهای توریستی، روستاهای استراحتگاهی و روستاهای صنعتی.

از طرف دیگر ویژگی‌های عامی که برای سکونتگاه‌های دائمی روستایی لحاظ شده‌اند، عبارتند از: داشتن مرز و قلمرو مشخص، انگیزه‌ها و علل وجودی معین، فعالیت‌های خاص اقتصادی (سعیدی، ۱۳۷۹). از تأثیر متقابل "محیط طبیعی" و "محیط فرهنگی" در روستاها، فضای خاصی فراهم می‌آید که معرف یک عینیت جغرافیایی یا واقعیت "مکانی - فضایی" است. از آنجا که فضای به وجود آمده، خود متشکل از اجزایی مرتبط به یکدیگر است، می‌توان آن را یک "نظام" به شمار آورد.

بنابراین از نظر کالبدی آنچه جوامع روستایی را دارای ویژگی‌هایی منحصر به خود می‌سازد، عبارتند از:

۱- مکان یا محیطی طبیعی با توجه به ویژگی‌های خاص آن و چگونگی میزان تأثیر عوامل گوناگون در این محیط (مکان)، از جمله موقعیت، وضع ناهمواری‌ها، آب و هوا و پوشش گیاهی.

۲- نحوه برپایی، دامنه و پیامدهای حاصل از فعالیت‌های گوناگون گروه‌های روستایی.

۳- فضا یا چشم‌انداز خاصی که نتیجه و سمبل فعالیت‌های خاص انسان در مکان معین است. این فضا نمایانگر نحوه استقرار خانه‌ها، شیوه بهره‌برداری از منابع، روابط مالکیت، نوع و دامنه تولید و حتی چگونگی استقرار و جایگاه هر خانواده یا گروه در کل مجموعه یا اجتماع روستایی است.

همچنین یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که زندگی روستایی را متأثر می‌سازد و هم کالبد و هم روابط اجتماعی روستائیان پیرامون آن شکل می‌گیرد، همگامی معیشت و زندگی و پررنگ بودن این بعد از زندگی در روستاست. حسن فتحتی در اشاره به این موضوع و تأثیر آن بر کالبد زندگی روستایی بیان می‌کند:

در این مزرعه بینوا، همه چیز تابع اقتصاد بود؛ محصولات درو شده تا آستانه کلبه جلو می‌آمد و در اطراف حیاط‌های کثیف آن انبار می‌شد تا جای بیشتری برای گردآوری محصول باز کند، سایه‌ای وجود نداشت.

پایدار در مقیاس جهانی و طرح ایده‌هایی همچون دهکده جهانی در عصر الکترونیک، توجه خود را مجدداً به ارزش‌های جوامع روستایی معطوف نموده است که مهم‌ترین آن توجه به طبیعت و همزیستی با آن است. از طرف دیگر، چنانچه به جهانی شدن با تأمل نگاه شود، شکل جدیدی از الگوی اقتصادی را در رابطه میان جوامع تعریف می‌نماید که حتی به رابطه میان سکونتگاه‌های شهری و روستایی در حوزه‌های درون‌مرزی کشورها قابل تعمیم است. جهانی شدن اقتصاد امروزه و در کشورهای پیشرفته به بحثی قابل طرح بدل شده است: در عصر حاضر و در مقیاس جهانی دگرگونی چشمگیری در شیوه تولید، از صنعتی به فن‌آوری اطلاعاتی رخ داده است. تمرکز تولید جای خود را به ارتباط گسترده جوامع بر پایه منافع مشترک داده است. عصر فوردگروی^۱ را پشت سر نهاده‌ایم و به عصر پسافوردگروی گام نهاده‌ایم، اقتصاد فوردی در مرزهای ملی به خصوصی و در خط تولید کارگاه‌های بزرگ یا کارخانه‌ها تمرکز داشت؛ حال آنکه پسافوردگروی، ملی‌گرایی اقتصادی را مانع از تولید می‌داند و شیوه «مشارکت در تولید» را که از لحاظ جغرافیایی پراکنده و نامتمرکز است، جایگزین آن ساخته است (رجایی، ۱۳۸۰). لذا در نگرش به جهان براساس دیدگاه دهکده جهانی، مرزهای جغرافیایی در حال نابودی است و نمی‌توان براساس اقتصاد بسته‌ای که موجودیت روستا را به عنوان یک سیستم بسته مستقل رقم می‌زد، تعریفی ثابت از روستا ارائه داد و روستا را یک کل مستقل دانست.

چشم‌انداز آینده روستا و تعریفی که از آن برای نسل‌های آینده ارائه خواهد شد، وابسته است به بستری که امروزه در آن، نوع رابطه میان جوامع انسانی رقم زده می‌شود و همچنین مطلوبیت‌هایی که همه جوامع انسانی ملزم به تحقق آن هستند و در برنامه‌ریزی‌های کلان، به سمت آن جهت‌گیری می‌کنند؛ لذا تأمل در مفهوم روستا مستلزم نگرشی ژرف به آن، به عنوان پدیده‌ای است که در طول تاریخ، واجد حیاتی متداوم از گذشته تا به آینده می‌باشد.

ج - شناخت ویژگی‌های روستا، تأملی در ویژگی‌های شهر

و روستا به عنوان دو پدیده متعامل

هر روستا به عنوان یک مجتمع زیستی و بسته به شرایط مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حائز ویژگی‌هایی مختص به خود می‌باشد؛ تقسیم‌بندی‌هایی که در خصوص انواع جوامع روستایی صورت می‌گیرد، مؤید ویژگی‌های متفاوت در آن جوامع است. در شناخت ویژگی‌های جوامع روستایی می‌توان در یک نگرش کلان آنها را از دو جنبه کالبدی و اجتماعی مورد تأمل قرار داد که در تعامل با یکدیگر سیمای کلی جامعه روستایی را رقم می‌زنند. این تقسیم‌بندی‌ها در درون خود براساس ویژگی‌های مختلف، تقسیمات ریزتری را نیز شامل می‌شود؛ به عنوان

شناخت شهر از روستا ابعاد زیر را مورد توجه قرار می‌دهند: گرایش به آزادی‌های مدنی، گرایش به محدودیت اولاد و گرایش به یکپارچگی‌های اجتماعی. جغرافیدانان طبقه‌بندی زمین را معیار اصلی قرار می‌دهند و در این خصوص به ملاک‌هایی همچون کاربری زمین، شرایط محیطی، میزان تراکم جمعیت، قشربندی اجتماعی، میزان تجانس و عدم تجانس جمعیت می‌پردازند.

معیارهایی که سازمان ملل در سال ۱۹۶۷ برای شناخت شهر از روستا ارائه داده است، به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- حوزه اداری.
 - ۲- نوع فعالیت‌های اقتصادی.
 - ۳- میزان جمعیت.
 - ۴- مشخصات شهری مانند تأسیسات زیربنایی، فضاهای خدماتی مانند بیمارستان، دادگاه و ...
 - ۵- حوزه دولت محلی (رضوانی، ۱۳۸۱).
- گروهی دیگر شاخص‌های تفکیک شهر از روستا را چنین برمی‌شمرند:
- ۱- وسعت.
 - ۲- وضعیت و نوع فعالیت اقتصادی.
 - ۳- درجه اشتغال، قشربندی اجتماعی.
 - ۴- درجه پیچیدگی روابط و مناسبات.
 - ۵- چگونگی بهره‌گیری از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی.
 - ۶- میزان و ترکیب جمعیت (همان، ص ۱۶).

دایره‌المعارف بریتانیکا تفاوت میان شهر و روستا را چنین تشریح می‌نماید: "روستا با نگاه سنتی در مقابل شهر قرار می‌گیرد؛ روستا محل زندگی روستائیان است و به چرخه زندگی کشاورزی گره خورده است. در حالی که ساکنین شهرها در گرایش‌های مختلفی کار می‌کنند و اقتصاد آنان ریشه در صنعت و تجارت دارد. روستا یک اجتماع صمیمی از خویشاوندان است. در حالی که شهر جایگاه توده جمعیت است. فرهنگ روستا ساده است و سنتی و این در حالی است که شهرها مرکز هنرها و علوم و ترکیبات پیچیده توسعه فرهنگی هستند. شهر و روستا به عنوان جوامع سیاسی تفاوت‌های بارزتری دارند. از دید تاریخی روستا به واسطه یک دموکراسی بدوی با بحث رودرو در شورای روستا یا توسط کدخدایی که تصمیمات وی توسط ریش‌سفیدان ده تأیید می‌شد، اداره می‌گردید. دولت‌های شهری هیچگاه به این سادگی نبوده‌اند و روش‌های اداره سلطنتی، ظالمانه، اشرافی و یا حزبی در همه شهرها شکوفا شده‌اند. در روستا مرز میان فعالیت‌ها و اقدامات سیاسی، اقتصادی، مذهبی و

زیرا سایه درختان رشد پنبه را آزار می‌داد. برای انسان‌هایی که در آنجا زندگی می‌کردند، هیچ چیزی ساخته نشده بود (فتحی، ۱۳۷۲). وی در بیان تضاد میان برداشت فکری خود از روستا و واقعیت روستاهای موجود می‌گوید: همیشه عشق عمیقی به روستا داشتم، اما این عشق به یک آرمان بود، نه به چیزی که در واقع می‌شناختم (فتحی، ۱۳۷۲).

در واقع برای روستائیان خانه تنها محلی برای زندگی محسوب نمی‌شود، بلکه خانه روستایی در طول تاریخ همواره مأمن معیشت وی بوده است و این تفکر از تک بنا گرفته تا کل ساختار کالبدی بافت روستا گسترش می‌یابد.

در دایره‌المعارف بریتانیکا در تشریح ویژگی‌های جامعه روستایی چنین آمده است: ساکنان روستایی با مردمی کار می‌کنند که آنها را خوب می‌شناسند و به روابط صمیمی و مقیاس کوچک خو گرفته‌اند.

(Britannica, v.10, 1970) مطالعات روستایی که توسط OECD^۴ در سال ۱۹۹۰ و انجمن EU^۱ در گزارش‌هایش در خصوص آینده جهان روستا ارائه می‌دهد، بیانگر این مطلب است که این مناطق دارای سیستم‌های باز، چند عملکردی، انسان‌گرا و پویا هستند، اگرچه ترکیب عناصر مختلف، گونه‌های متفاوتی از این سکونتگاه‌ها را در سطح جهان ارائه می‌دهند (M. Frutos, 1999).

در بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی، زندگی اجتماعی جوامع روستایی را می‌توان از منظر ساختار اجتماعی و همچنین از منظر ویژگی‌های جمعیتی مورد تأمل قرار داد که البته، پیوسته در حال تغییر است. در این خصوص می‌توان به تراکم نسبتاً پایین جمعیت، جوامع کوچک، مهاجرت‌های پایدار (پدیده‌ای که در نیمه دوم قرن ۲۰ شدت بیشتری یافته است) و تغییرات عمیقی که در دهه‌های اخیر در ساختار جمعیتی، اجتماعی و طرز فکر روستائیان صورت گرفته است، اشاره کرد (ibid, p. 200). جامعه روستایی بر اختلاط نقش‌ها بنا نهاده شده است. با کم و بیش تفاوتی همان کسانی که در شورای ده عضویت دارند، شورای سندیکا را نیز اداره می‌کنند و در جلسات شرکت‌های تعاونی نیز حضور می‌یابند. به نظر می‌رسد که تقارن نقش‌ها و تداخل وظایف یکی از مهم‌ترین وجوه اختلاف جامعه روستایی از جامعه شهری است (ووثوقی، ۱۳۶۶).

ج-۱- تفاوت میان ساختار روستا و شهر

چنانچه پیشتر اشاره شد، برای تعریف یک موضوع می‌توان آن را در قیاس با پدیده‌هایی که در تعامل یا تضاد با آن پدیده قرار دارند، بررسی نمود؛ در نقطه مقابل روستا، شهر قرار دارد و بلافاصله پس از آنکه مفهوم روستا مطرح می‌گردد، مفهوم شهر به ذهن متبادر می‌شود. تفکیک شهر از روستا نیز در حوزه‌های علوم مختلف متفاوت است؛ جامعه‌شناسان در

را در سطوح بالایی رشد می‌داد. آثار معماری و تزئینات به جا مانده در روستاها حکایت از رشد فطری معیارهای زیبایی‌شناسانه انسانی در چنین محیط‌هایی دارند.

د - مبانی نظری حاکم بر ساختار روستا

شکل‌گیری حیات در هر مجتمع زیستی، رابطه‌ای دو سویه با محیط حاکم بر آن دارد، از طرفی ویژگی‌های محیطی بر فرآیند حیات در آن محیط تأثیر گذار است (مانند تأثیر اقلیم بر خلق و خوی ساکنین و یا شکل مجتمع‌های زیستی) و از طرف دیگر محیط نیز متأثر از رفتاری است که ساکنان هر محیط موجد آنند. تعامل دو سوی این رابطه، منجر به پیدایش ویژگی‌هایی خاص در آن محیط می‌گردد که در ارتباط با مبانی نظری حاکم بر ساختار محیط و جهان‌بینی ساکنان آن قرار می‌گیرد.

د-۱- جهان‌بینی حاکم بر زندگی روستایی

زندگی انسان در روستا در رابطه با طبیعت شکل گرفته است. طبیعت در طول تاریخ برای انسان روستایی مجرای تحقق حیات بوده و البته این، برای تمام انسان‌ها صادق است؛ اما روستایی چون در مواجهه مستقیم با موضوع قرار می‌گیرد و از نزدیک رابطه حیات خود را با مرگ و زندگی طبیعت می‌بیند، لذا درک صحیح‌تری نسبت به آن می‌یابد و پیوسته به طبیعت به دیده احترام می‌نگرد، چرا که طبیعت، مادر اوست و روزی‌اش وابسته به کرم طبیعت. او این رابطه را رابطه‌ای متداوم می‌بیند و برای حفظ این تداوم، طبیعت را منبع ذخایر و کار خود را بهره‌کشی از آن نمی‌بیند؛ طبیعت برای او یک بستر گسترده است که رابطه‌ای متعامل بین آن دو برقرار است. این جهان‌بینی که امروزه در بحث‌های توسعه پایدار مجدداً طرح شده است، پایه تفکر حقیقی در روستا را تشکیل می‌دهد. تضمین ارزش حقیقی این جهان‌بینی که ما را به تلاش برای حفظ آن مجاب می‌کند، فطری بودن آن است. هر چند که امروزه تنگناهای اقتصادی، فاصله زیاد شهر و روستا و تبلیغات فرهنگی متفاوت با حیطه فکری روستا موضوع را وارونه جلوه می‌دهد، اما همچنان دیده می‌شود که این جهان‌بینی اصیل در جوامعی که به سمت مدرنیت و مدنیت حرکت می‌کنند، به یک کهن الگو تبدیل می‌شود که در ناخودآگاه جامعه نقش می‌بندد و فضایی درونی پدید می‌آورد که چنانچه به آن اجازه بروز داده شود، مرهمی خواهد بود بر بحرانی که به طور دفعی بر جوامع روستایی تحمیل شده است.

نتیجه‌گیری

چنانچه ذکر شد، تعاریفی که از روستا ارائه می‌شوند، غالباً نسبی بوده و وابسته به شرایط محیط و زمان و حوزه مورد بحث متفاوت است؛ به عنوان مثال تعاریفی را که روستا را براساس معیشت کشاورزی تعریف می‌کنند، با نمونه‌های نسبتاً زیادی از روستاهایی که معیشت آنها بر

صورت‌های دیگر به گونه‌ای که در شهرها وجود دارد، کشیده نشده‌اند. (Britannica, v.25, 1970). این کتاب در ادامه، گذر از زندگی روستایی به ساختار زندگی شهری را چنین بیان می‌دارد:

”انتقال جوامع خویشاوند با سیستم‌های غیر رسمی و پیوسته و متحد اجتماعی و سیاسی به جوامع متفاوت سلسله مراتبی با ساختار سیاسی پیچیده، با بزرگ شدن جوامع روستایی آغاز شد. سازماندهی‌های ابتدایی جوامع با رشد جمعیت، تنوع اقتصاد و یا تقابل با دیگر جوامع تشکل یافتند. عملکرد اجتماعات جهت‌گیری خاص‌تری یافت و نقش رهبری سازماندهی شد. این فرآیند گاه در رشد تدریجی شهرها حادث می‌شد و گاه از اجتماع تعدادی جامعه روستایی یا چند قبیله به وجود می‌آمد (ibid, p.1008).

ویژگی‌های جامعه روستایی را می‌توان همگام با چیزی دانست که فردیناند تونیس^{۱۱}؛ روان‌شناس آلمانی؛ از آن تحت عنوان ”گمیشفت“^{۱۲} نام می‌برد؛ وی در مقابل ماهیت زندگی شهری را تحت عنوان گزلفشت، با شاخص‌های دیوان‌سالاری غیر عامل، تخصص خردورزانه و مکانیزاسیون تعریف می‌نماید. وی در خصوص جامعه گمیشفت چنین بیان می‌دارد: ”گمیشفت اجتماعی است که در آن افراد به سمت جامعه بزرگتری حرکت می‌کنند که بر خواست‌ها و علایق شخصی آنها متقدم است. به علاوه، افراد در گمیشفت قوانینشان را براساس آداب عمومی یا باورهای عمومی در خصوص رفتار مناسب و احساس مسئولیت اعضای اجتماع نسبت به یکدیگر، نسبت به اجتماع و در نهایت براساس ”خواست واحد“ تنظیم می‌کنند (Ferdinand, 2001). بالعکس آن، گزلفشت^{۱۳} عموماً با صنعت مدرن همراه می‌شود. جایی که جامعه در آن با برنامه اجرایی خاص و اهداف مشخص در فضایی عقلایی و کارآمد عمل می‌کند و به مصاف شرایط سنتی و ارگانیک می‌رود. از این دو واژه گاه به ”باهمستان“^{۱۴} و ”جامعه“^{۱۵} تعبیر می‌شود.

ج-۱-۱- تفاوت مفهوم مقیاس در شهر و روستا

زندگی در شهر به همراه پیامدهای شهرنشینی مفهوم مقیاس انسانی را در شهرها دگرگون می‌کند و این در حالی است که هنوز به دلیل عدم صنعتی شدن ساختار زندگی، مقیاس‌های انسانی در روستاها بیشتر به چشم می‌آید، این تفاوت در مقیاس کلیه اجزای کالبدی پیرامون زندگی همچون راه‌ها و بناها، سطوح کمی زندگی و ... به چشم می‌خورد. اما مقیاس همواره به قیاس دو امر «کمی» نمی‌پردازد، کیفیات محیطی نیز مقیاسی در خصوص امور «کیفی» به انسان می‌دهد، به عنوان مثال پیش از آن که روستاها به دنبال الگوگیری کالبدی از شهرها باشند، کیفیات محیط پیرامون انسان به او مقیاس کیفی متفاوتی می‌بخشید که به طور قطع در معیارهای زیبایی‌شناسانه فطری او مؤثر واقع می‌شد و آن

تحویلی در روستایی که به شهر بدل می‌گردد، صورت می‌پذیرد؟ آیا جز این است که روستاها در آزمونی که شهریان برای ورود به ساحت خود برای روستائیان طرح نموده‌اند، قبول می‌شوند؟ آزمونی با سؤالاتی رو شده که دستیابی به پاسخ آنها، نیازمند تحولاتی بنیادی نیست. کافی است چند روستا در هم ادغام شوند تا جمعیت آنها از حد جمعیتی که برای روستا تعریف شده، خارج شود و یا اگر خوشبینانه‌تر به موضوع نگاه کنیم، روستا از نظر فضاهای عمومی خدماتی و تفریحی و زیرساخت‌ها به حداقل لازم برسند. در پی آن، شهرهایی با فرهنگ روستایی متولد می‌گردند و فرهنگ روستایی یا به عبارت بهتر جهان‌بینی روستایی که پیوسته در مواجهه با فرهنگ و آداب شهرنشینی با خط قرمز مواجه می‌گردد، در درون خود می‌پوسد و روستایی شهرنشین شده، مقهور شهرهایی که خود در نسبتی دیگر در بحران هویت غوطه‌ورند، قرار می‌گیرد و بحرانی مضاعف را تجربه می‌کند، متحیرانه به نظاره می‌نشیند و معانی طبیعت، زمین، آب، رویش و ... یکی پس از دیگری در ذهنش رنگ می‌بازد و روستائیان هر روز سربلند به اداره‌هایی که حتماً برای اداره شهرشان! نیاز به تأسیس آن بوده، می‌روند.

تفکیک شهر و روستا و به تبع آن ایجاد بار ارزشی متفاوت برای آن دو موجب اثرات زیانباری که ذکر آن رفت، می‌باشند. چنانچه پیشتر اشاره شد، هرگونه سکونتگاه جمعی انسان که در اثر رابطه‌ای متعامل میان ساکنین آن شکل می‌گیرد، نوعی آبادی است. چنانچه برنامه‌ریزی‌ها و حتی مطالعات کاربردی به گونه‌ای طرح‌ریزی شود که لزومی بر دسته‌بندی سکونتگاه‌ها تحت عنوان شهر و روستا نباشد، می‌توان هر سکونتگاه - چه شهر و چه روستا - را یک آبادی دانست که سنت معیشت به طریقی در آن به وقوع می‌پیوندد. هیچ روستایی را نمی‌توان مجبور نمود که در چهارچوبی که ما تعریف کرده‌ایم، روستا باقی بماند و از شهر دوری گزیند و از هیچ روستایی‌ای نمی‌توان خواست که به شیوه پدران خود بزید که این بر فطرت آزاد و آزادگی نوع انسان استوار است و البته این به معنای از دست دادن ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موجود، مثلاً از میان رفتن کشاورزی نمی‌باشد.

آنچه مسلم است نظام اجتماعی روستا دارای ساختاری است سنتی. در جوامع سنتی غالباً خروج از محور تعادل در مسیر صحیح با مخالفت روبرو می‌گردد. مگر آنکه این خروج به صورت دفعی صورت پذیرد. جوامع روستایی ما که غالباً به بالندگی ذهنی لازم جهت نقد خود و نگاه خارج از سامانه درونی خود، به خود نرسیده‌اند، در مواجهه با هر ساختاری که دارای نظامی قوی‌تر است، به یکباره و به صورت دفعی فرو می‌ریزند و ارزش‌هاشان رنگ می‌بازد؛ در عین حال آنچه باید بر آن همت گماشت، حفظ تداوم تاریخی سکونتگاه‌های روستایی و پرهیز از اعمال نیروهای

کشاورزی استوار نیست (مانند روستاهای توریستی)، نقض می‌شود؛ از طرف دیگر مطابق آمار، تنها حدود ۴۴ درصد از درآمد سالیانه خانوارهای روستایی در ایران از طریق کشاورزی تأمین می‌گردد و این در حالی است که مثلاً در جامعه روستایی استان گیلان که اساس معیشت خانوارها بر کشاورزی استوار است، این رقم به ۵۶ درصد می‌رسد (گزارش اقتصادی - اجتماعی استان گیلان، ۱۳۸۲)، که به نظر می‌رسد قرار دادن اساس تعریف روستا بر آن در جامعه امروز چندان صحیح نباشد. همچنین براساس مثال‌هایی که در متن به آن اشاره شد، تعاریف جمعیتی نیز معیار صحیحی ارائه نمی‌دهند، تعریف عرفی روستا نیز غیر قابل برنامه‌ریزی است، در دسته‌ای از تعاریف که به نظر جامع‌تر می‌رسد، روستا به عنوان یک کل خودکفا با فعالیت‌های درونی تعریف شده است؛ در مورد این تعریف باید گفت که آیا، به واقع خودکفا بودن مطلق به معنای عدم نیاز به تبادلات علمی، اقتصادی و ... در جامعه امروز، به عنوان یک ارزش پایدار مطرح است که برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای روستا را بر آن پایه‌گذاری کرد؛ مفهوم خودکفایی در معیارهای جوامع امروز چگونه طرح می‌شود؟ چنانچه ما پدیده جهانی شدن - که پیشتر بدان اشاره شد - را به طور کامل بپذیریم و یا آن را رد نماییم، در عصر جهانی شدن زندگی می‌کنیم. جهان امروز، جهان تخصص‌ها است و تمرکزگرایی را باطل می‌بیند؛ حتی اگر دیدگاهی منفی نسبت به پدیده جهانی شدن داشته باشیم و آن را شکل جدیدی از امپریالیسم بدانیم؛ اما اعتقاد به آن در مقیاس درون مرزی که دسته‌ای از پارامترهای سیاسی در آن حذف می‌شوند، برای ما فوایدی در بر خواهد داشت.

بر این اساس، ارائه یک تعریف کاربردی ثابت از روستا که بتواند در تمامی زمان‌ها و حوزه‌های مختلف علوم جوابگو باشد، ممکن نیست و تعاریف، غالباً نسبت به شرایط مختلف تغییر می‌نمایند؛ تنها تعریف حقیقی مفهوم روستا است که نسبی نیست. تعریف حقیقی روستا - چنانچه ذکر آن رفت - روستا را متجلی در مفهوم آبادی، با تمامی ابعاد آن می‌بیند. این تعریف را می‌توان تعریفی مطلق قلمداد نمود و چنانچه زمینه‌های لازم برای بهره‌برداری از آن فراهم آید، پایگاهی ثابت را در این خصوص فراهم می‌آورد.

کلام آخر

باید در تعریف روستا به آنچه اندیشیده شده، دوباره بیندیشیم و مهم‌تر از آن، میزان اهمیت یک تعریف قطعی را مشخص نماییم. امروزه روستاها یکی پس از دیگری عرصه‌های به اصطلاح ترقی را درمی‌نوردند تا به شهر تبدیل شوند. سالانه تعداد زیادی روستا از لیست روستاهای موجود در شناسنامه آبادی‌های کشور حذف می‌گردند و به لیست شهرها می‌پیوندند و این حد مطلوب تمامی روستاهای کشور است. اما واقعاً چه

خویشاوندی شکل گیرد، وی جوامع پراکنده در سرتاسر جهان با اعتقادات مذهبی را نمونه‌هایی از گمیشفت می‌شمارد. گمیشفت به طور عام حائز ویژگی‌هایی از قبیل تقسیم مناسب نیروی کار، رابطه خویشاوندی قوی، خانواده‌های قدرتمند، و سازمان اجتماعی نسبتاً ساده است. در چنین جوامعی بندرت نیاز به کنترل اجتماعی و اعمال فشار از خارج است و این ناشی از حس وظیفه‌شناسی افراد در قبال جامعه است. جوامع گمیشفت، از نظر تاریخی دارای یکپارچگی قومی و نژادی بیشتری هستند.

در مقابل، گزلفشت شرح حال اجتماعاتی است که در آن جامعه بزرگتر به هیچ وجه نزد افراد اهمیت علائق شخصی را ندارد. تجارت مدرن مثال خوبی از آن است. در این جامعه، کارگران، مدیران، و مالکین ممکن است دیدگاه و عقاید مشترک محدودی داشته باشند و ممکن است اعتقاد و علاقه عمیقی به کالایی که تولید می‌کنند نداشته باشند، اما خواسته مشترکی که آنها را به کار با یکدیگر وامی‌دارد، درآمد است و چنین است که تجارت ادامه می‌یابد.

برخلاف گمیشفت، گزلفشت بر ارتباطات فرعی بیش از روابط خانوادگی و پیوندهای اجتماعی تأکید دارد و افراد در آن احساس مسئولیت کمتری نسبت به جامعه حس می‌کنند. یکپارچگی اجتماعی در این جوامع غالباً مشتق از گروه‌های کاری یکسان است. در چنین جوامعی غالباً تضادهای طبقاتی همچون تضادهای قومی و نژادی وجود دارد (<http://en.wikipedia.org>).

منابع مورد استفاده

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. ۱۳۵۹. مقدمه ابن خلدون، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بهشتی، محمد. ۱۳۷۱. فرهنگ صبا، انتشارات صبا.
- پیتیه، ژان، مهاجرت روستائیان. ۱۳۶۹. مترجم: مؤمنی کاشی، محمد، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- حیبی، محسن. ۱۳۷۵. از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۳۷. لغت‌نامه دهخدا، سازمان لغت‌نامه.
- رضوانی، علی‌اصغر. ۱۳۸۲. رابطه شهر و روستا (مطالعات شهری و منطقه‌ای)، انتشارات ملکان.
- رجایی، فرهنگ، پدیده جهانی شدن. ۱۳۸۰. مترجم: آذرنگ، عبدالحسین، انتشارات آگه.
- سعیدی، عباس، مبانی جغرافیای روستایی. ۱۳۷۹. انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. ۱۳۸۴. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۸. لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۲. لایحه برنامه دوم توسعه

دفعی در محیط است تا منجر به ایجاد بحران در آن نگردد؛ لذا فراهم آوردن امکان رشد فرهنگی، تضمین تداوم زندگی روستایی است. اگر قرار است روستایی به شهر تبدیل گردد، این تحول و دستیابی به مدنیت باید در تمامی ابعاد و شئون صورت گیرد؛ آنگاه شاید واژه‌های آب و خاک محتوای اصیل خود را از دست ندهند. در این صورت، روستایی که مدنیت در آن وارد می‌گردد، نسخه‌ای از شهرهای موجود نیست، دستیابی آن به مدنیت به معنای دستیابی به جسم نزدیکترین شهر به آن روستا نیست. بلکه یک ساختار پویاست که در مسیر طبیعی خود و منطبق بر پتانسیل‌های خود رشد کرده و وام‌دار الگوهایی از شهرهای امروزی ما نیست. چنین آبادی‌ای یک آبادی هوشیار و خود سازنده است. لذا شناخت روستا برای ما همچون شناخت هر پدیده دیگری راهی است برای کشف منطق سیر تکامل و تداوم آن پدیده.

یادداشت‌ها

- 1- Gohn Sigler
 - 2- Perception
 - 3- sense
 - 4- Luisa M. Frutos
 - 5- Rostak
 - 6- Britannica
 - 7- Rural Society
 - 8- Fordism
 - 9- Organization for Economic Co-operation Development
 - 10- European Union
 - 11- Ferdinand Tonnies
 - 12- Gemeinschaft
 - 13- Gesellschaft
- ۱۴- Gemeinschaft را تونیس همپایه community ذکر کرده که در مقابل آن برای واژه Gesellschaft ما به ازای society را به کار برده است. community را داریوش آشوری معادل واژه باهمستان دانسته و در مقابل آن Society، جامعه و نظام اجتماعی ترجمه می‌شود. در فرهنگ آریان‌پور عبارت community به اجتماع، جمهور، گروهی از مرده دارای ویژگی مشترک، محله همزیستی و Society به اجتماع، جامعه، انجمن، همباشی و ... ترجمه شده است.
- ۱۵- تونیس خانواده را تجلی تمام عیار گمیشفت می‌بیند، اگرچه معتقد است که گمیشفت می‌تواند بر پایه مکان مشترک و عقاید مشترک همچون

- اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
 سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. ۱۳۸۲. گزارش اقتصادی -
 اجتماعی استان گیلان.
 مرکز آمار ایران. ۱۳۷۵. شناسنامه آبادی‌های کشور.
 شیعه، اسماعیل. ۱۳۷۸. مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه
 علم و صنعت.
 فتحی، حسن. ۱۳۷۲. ساختمان‌سازی با مردم، مترجم: اشرفی، علی،
 انتشارات دانشگاه هنر.
 معین، محمد. ۱۳۷۵. فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر.
 نوربری شولتز، کریستیان. ۱۳۸۱. مفهوم سکونت، مترجم: امیریار
 احمدی، محمود، انتشارات آگاه.
 وثوقی، منصور. ۱۳۶۶. جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کیهان.
 هایدر، مارتین و دیگران. ۱۳۷۷. فلسفه تکنولوژی، مترجم: اعتماد
 - شاپور، نشر مرکز.

. Allmendinger, Ph. & Champan, M. 1999. Plan-
 ning Beyond 2000, John Wiley & sons

. Brook, I. 2000. CAN SPIRIT OF PLACE BE A
 GUIDE TO ETHICAL BUILDING, ETHICS AND
 THE BUILT ENVIROMENT, Rout ledge

. Britannica atlas. 1970. A. Cleveland, William
 (ed.), Chicago, Encyclopedia Britannica

. M. Frutos, L. 1999. Human Organization in Ru-
 ral Areas in: Rural Planning from an Environmental
 Systems Perspective, F.B. Golley & J. Bellot (eds.)

. Tönnies, F. 2001. Community and Civil Society,
 Jose Harris (ed.), Camb